



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۲، صص ۸۹۵-۹۱۲

تحلیل تطبیقی اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان در معماری ایران

مهرنوش خادم حقیقی^۱، غزال صفدریان^{۲*}، امیر صناعی^۳

۱-پژوهشگر دکتری تخصصی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس.

۲-استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس. safdarian@pardisiu.ac.ir

۳-استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

چکیده

مقدمه و هدف: با توجه به اهمیت سلامت روان کودکان و تأثیر محیط‌های مسکونی بر آن، این پژوهش به تحلیل تطبیقی اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی در معماری سنتی و مدرن ایران می‌پردازد. در دنیای امروز، تأمین نیازهای روانی کودکان و ایجاد فضایی مناسب برای رشد و توسعه آنها از اولویت‌های اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. طراحی فضاهای مسکونی باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین نیازهای فیزیکی، به ارتقای سلامت روانی و اجتماعی کودکان نیز کمک کند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فضاهای باز و سبز، فضاهای اشتراکی، نور و تهویه مناسب، و استفاده از مواد و رنگ‌های طبیعی در طراحی مجتمع‌های مسکونی بر سلامت روان کودکان است. با شناخت نقاط قوت و ضعف دو رویکرد معماری، امید است که راهکارهایی برای بهبود طراحی‌های مدرن ارائه گردد.

روش پژوهش: روش این پژوهش، تحلیل کیفی و کمی بوده و شامل بررسی متون علمی، نمونه‌های میدانی از مجتمع‌های مسکونی سنتی و مدرن، و مصاحبه با کارشناسان و معماران می‌شود. داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه گردیدند. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهند که فضاهای باز و سبز در طراحی سنتی، به ارتقای فعالیت بدنی و کاهش استرس کودکان کمک می‌کنند، در حالی که در معماری مدرن، کمبود این فضاها منجر به کاهش فعالیت و افزایش تنش روانی می‌شود. همچنین، فضاهای اشتراکی در طراحی سنتی، زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی و تقویت مهارت‌های ارتباطی هستند که در معماری مدرن کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. نور طبیعی و مواد طبیعی و رنگ‌های ملایم نیز تأثیرات مثبتی بر سلامت روان دارند. **نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش بر اهمیت توجه به اصول طراحی سنتی در معماری مدرن تأکید می‌کنند. پیشنهاد می‌شود که معماران از فضاهای باز و سبز، فضاهای اشتراکی، نور طبیعی و مواد طبیعی در طراحی مجتمع‌های مسکونی استفاده کنند تا به ارتقای سلامت روان کودکان کمک نمایند.

واژگان کلیدی: سلامت روان، کودکان، معماری مدرن، معماری سنتی.

۱-مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز، طراحی محیط‌های مسکونی با در نظر گرفتن نیازهای روان‌شناختی ساکنان، به ویژه کودکان، اهمیت بسیاری پیدا کرده است. کودکان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، نیازمند فضایی هستند که علاوه بر تأمین نیازهای فیزیکی و آموزشی، به سلامت روانی آن‌ها نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد (Aghdasi & et al, 2021: 156). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که محیط‌های فیزیکی تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر رشد ذهنی، عاطفی و رفتاری کودکان دارند. از این رو، طراحی فضاهای مسکونی با در نظر گرفتن نیازهای کودکان می‌تواند به بهبود سلامت روان آن‌ها کمک کند و در نهایت منجر به توسعه اجتماعی سالم‌تری شود (Dajliri & et al, 2018: 75). معماری، به‌ویژه در حوزه طراحی فضاهای مسکونی، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر کیفیت زندگی افراد، به‌ویژه کودکان، داشته باشد. در این میان، سلامت روانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سلامت انسان، نقشی اساسی در زندگی کودکان ایفا می‌کند. کودکان بیش از هر گروه دیگری از ساکنان، به محیط‌هایی نیاز دارند که نه تنها امنیت فیزیکی، بلکه آرامش روانی را برای آن‌ها فراهم کند (Corsaro, 2020: 7). در طراحی معماری و شهرسازی، توجه به این نیازها می‌تواند به شکل‌گیری محیط‌هایی کمک کند که نه تنها باعث کاهش استرس‌های روانی در کودکان می‌شوند، بلکه به رشد و توسعه اجتماعی و شناختی آن‌ها نیز کمک می‌کنند.

معماری سنتی ایران در طول تاریخ همواره به‌گونه‌ای بوده که فضایی آرامش‌بخش و متعادل برای ساکنان خود، به‌ویژه کودکان، فراهم کرده است. استفاده از فضاهای باز، حیاط مرکزی، نورگیری مناسب، و ارتباط نزدیک با طبیعت از ویژگی‌های بارز معماری سنتی ایرانی است (Aram & et al, 2014: 136). با این حال، در معماری معاصر ایران، به ویژه در مجتمع‌های مسکونی شهرهای بزرگ، به نظر می‌رسد این اصول به نوعی نادیده گرفته شده و جای خود را به الگوهای غربی و فضاهای بسته و تراکم بالای ساختمانی داده است. این تغییرات باعث شده‌اند که فضاهای مسکونی امروزی، به‌ویژه در کلان‌شهرها مانند تهران، برای کودکان کمتر مناسب باشند و نتوانند نیازهای روان‌شناختی آن‌ها را به خوبی تأمین کنند (Aram & et al, 2014: 138). در کنار این موارد، مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز بر طراحی محیط‌های مسکونی در ایران تأثیرگذار بوده‌اند. تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر باعث شده‌اند که بسیاری از مناطق شهری ایران به‌سرعت گسترش یابند. این گسترش بی‌رویه و ساخت‌وسازهای سریع و غیراصولی منجر به کاهش کیفیت زندگی شهری، به‌ویژه برای کودکان، شده است. مجتمع‌های مسکونی به دلیل کمبود فضاهای باز، نبود فضاهای بازی ایمن و همچنین محیط‌های تعاملی مناسب، تأثیر منفی بر سلامت روان کودکان گذاشته‌اند. بسیاری از کودکان امروز در محیط‌هایی رشد می‌کنند که تعاملات اجتماعی آن‌ها محدود به فضاهای کوچک داخلی و غیرباز است و این مسئله می‌تواند منجر به بروز مشکلات روانی مانند اضطراب، افسردگی و احساس تنهایی در کودکان شود (Bandar Abad, 2018: 140).

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های معماری معاصر ایران، نادیده گرفتن اصولی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت روان کودکان تأثیرگذار هستند. در حال حاضر، بسیاری از مجتمع‌های مسکونی شهری با مشکل کمبود فضاهای مناسب برای کودکان مواجه هستند (بهاروند، ۱۳۹۳: ۳۰۰). از طرفی، نبود فضاهای بازی ایمن و خلاقانه، تعاملات اجتماعی کودکان را محدود می‌کند و از طرف دیگر، نورگیری ناکافی، تهویه نامناسب و استفاده از مصالح و رنگ‌های نامناسب می‌تواند منجر به ایجاد فضایی پرتنش و استرس‌زا برای کودکان شود. یکی دیگر از مشکلاتی که در معماری مجتمع‌های مسکونی امروزی به چشم می‌خورد، تراکم بیش از حد ساختمانی است (صادق صابری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵). این تراکم باعث کاهش کیفیت زندگی و رفاه کودکان می‌شود. کودکان در محیط‌های پرازدحام و بدون فضای کافی برای بازی و تفریح، با کمبود آزادی‌های فیزیکی مواجه هستند. این محدودیت‌ها می‌تواند تأثیرات منفی بر رشد روانی و عاطفی آن‌ها بگذارد و باعث کاهش خودباوری و احساس امنیت در آن‌ها شود. افزون بر این، بسیاری از طراحان و معماران، بدون توجه به نیازهای روان‌شناختی کودکان، به طراحی فضاهای مسکونی می‌پردازند. این امر باعث می‌شود که کودکان در فضاهایی زندگی کنند که برای آن‌ها مناسب نیست و نمی‌تواند نیازهای رشدی و روانی آن‌ها را برآورده کند. در نتیجه، لازم است که در فرآیند طراحی مجتمع‌های مسکونی، اصولی در نظر گرفته شوند که بهبود سلامت روان کودکان را تضمین کنند. این اصول می‌توانند شامل ایجاد فضاهای باز، نورپردازی مناسب، استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش و همچنین طراحی فضاهای اجتماعی برای تعاملات کودکان با هم‌سالان خود باشند (Alizadeh Moghadam & et al, 2017: 140). در معماری سنتی ایران، بسیاری از این اصول به‌خوبی رعایت می‌شده‌اند. به‌عنوان مثال، در خانه‌های سنتی ایرانی، حیاط مرکزی به‌عنوان فضایی برای بازی و تعاملات اجتماعی کودکان در نظر گرفته می‌شد. همچنین استفاده از مواد طبیعی و نورگیری مناسب از دیگر ویژگی‌های معماری سنتی بود که به بهبود سلامت روان ساکنان کمک می‌کرد. با این حال، در معماری معاصر، به‌ویژه در کلان‌شهرها، این اصول به‌طور فزاینده‌ای نادیده گرفته شده‌اند و جای خود را به طراحی‌های مدرن و گاه غیراصولی داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل تطبیقی اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان است. این تحقیق تلاش می‌کند تا با تحلیل فضاهای مسکونی معاصر و سنتی ایران و شناسایی اصول طراحی مؤثر بر سلامت روان کودکان، راهکارهای عملی و تخصصی برای بهبود طراحی این فضاها ارائه دهد. همچنین، این پژوهش قصد دارد تا با بررسی نمونه‌های موفق داخلی و خارجی، الگوهایی برای به‌کارگیری در معماری مسکونی ایران پیشنهاد کند. نوآوری این پژوهش در تأکید ویژه بر سلامت روان کودکان در طراحی مجتمع‌های مسکونی نهفته است، که با ترکیب مفاهیم روان‌شناسی کودک و اصول معماری، رویکردی بین‌رشته‌ای و جامع ارائه می‌دهد. پژوهش با بررسی تطبیقی معماری سنتی و معاصر ایران، اصول مؤثر در معماری گذشته را احیا و بازتفسیر کرده و راهکارهای بومی و کاربردی متناسب با شرایط فرهنگی و اقلیمی ایران ارائه می‌کند. علاوه بر تحلیل نظری، این تحقیق مدل‌های عملی

برای معماران و طراحان فراهم می‌کند تا فضاهایی را خلق کنند که علاوه بر تأمین امنیت فیزیکی، به بهبود رفاه روانی کودکان نیز کمک کند.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱. سیر تحول مجتمع مسکونی در ایران

پیدایش مجتمع‌های مسکونی به شکل امروزی آن به دوران پس از انقلاب صنعتی برمی‌گردد و ایران در این زمینه نقش الگوبرداری از کشورهای دیگر را داشته است. در الگوهای سنتی شهرسازی ایران، ساختمان‌ها به صورت پیوسته و با دیوارهای پشت به پشت در کنار هم قرار می‌گرفتند و کوچه‌های باریک شهر در هر منطقه نقش یک "محله" را از منظر اجتماعی، کالبدی و اداری ایفا می‌کردند. ویژگی‌هایی مانند یکپارچگی عناصر شهری، انسجام فضایی، تناسب انسانی و هماهنگی ظاهری از جمله خصوصیات مسکونی این محله‌ها بوده است. با شروع قرن بیستم، شهرهای ایران به‌طور ناگهانی رشد کردند و این امر با ورود مفاهیم جدیدی مانند آپارتمان‌سازی همراه بود که تأثیرات مهمی بر الگوی مسکن در شهرها داشت. آثار فیزیکی این تغییرات در محیط‌های شهری از سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ قابل مشاهده بود و شامل ساخت ساختمان‌های بلند برای نهادهای دولتی و اداری در تهران می‌شد. دهه ۱۳۳۰ هم‌زمان با شروع ساخت برج‌های بلند در تهران و ترویج ایده شهرک‌سازی و ایجاد سکونتگاه‌های جمعی برای گروه‌های کم‌درآمد، با تکیه بر برنامه‌های توسعه‌ای آغاز شد که کوی‌هایی مانند چهارصد دستگاه، نارمک، و نازی‌آباد در تهران از نمونه‌های آن به‌شمار می‌روند. از دهه ۱۳۴۰ توجه به ساخت مجتمع‌های مسکونی برای اقشار متوسط با مشارکت بخش خصوصی افزایش یافت؛ نمونه بارز آن شهرک اکباتان در تهران است. در دهه ۱۳۵۰ نیز به همراه رونق اقتصادی، احداث مجتمع‌های مسکونی لوکس برای اقشار پردرآمد با سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی به سرعت گسترش یافت، اما پس از انقلاب اسلامی این روند با رکودی حدود یک دهه روبه‌رو شد. با تغییر سیاست‌های مسکن، از دهه ۱۳۷۰ ساخت مسکن انبوه، به‌ویژه برای طبقات متوسط، مورد حمایت برنامه‌های توسعه قرار گرفت و به دنبال فروش تراکم، الگوی جدیدی از ساختمان‌های بلندمرتبه در این دهه شکل گرفت که تفاوت‌هایی با برج‌های دهه ۱۳۵۰ داشت؛ چراکه اغلب بدون توجه به معیارها و اصول شهرسازی طراحی شدند (کیافر، ۱۳۹۹: ۴۴). از دهه ۱۳۸۰ ساخت مجتمع‌های مسکونی به شکل تعاونی و خصوصی به‌طور گسترده‌تری مورد استقبال قرار گرفت، هرچند این روند وابسته به سیاست‌های شهرداری در اعطای مجوزها بوده و دستخوش تغییراتی شده است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در دهه ۱۳۹۰، در طراحی و ساخت مجتمع‌های مسکونی تحولی چشمگیر رخ نداد و به‌ویژه در پروژه‌هایی مانند مسکن مهر توجه کافی به معیارهای طراحی و شهرسازی نشد (کیافر، ۱۳۹۹: ۴۵).

۲-۲. روان شناسی محیط و رابطه آن با ادراک کودک از محیط پیرامون

روان‌شناسی محیطی بر تعامل افراد با محیط‌های خاص تأکید دارد. این حوزه در ارتباط با معماری فضای کودکان، به بررسی تأثیر محیط فیزیکی بر رفتار، احساسات و حس سلامت کودک، از هر دو جنبه فیزیکی و روانی، می‌پردازد. واکنش کودکان نسبت به محیط با توجه به تمایلاتشان در نزدیکی یا فاصله گرفتن از محیط تعریف می‌شود. احساسات و عواطف کودک نسبت به محیط، می‌تواند گرایش‌ها یا رفتارهای اجتنابی او را شکل دهد. پژوهشگران اعتقاد دارند که محیط‌ها حتی پس از ترکشان می‌توانند به‌طور مداوم بر خلق و خوی افراد اثر بگذارند. محیط از طریق نشانه‌ها و محرک‌ها بر حس‌های دیداری، شنیداری یا لمسی تأثیر می‌گذارد (مک‌اندرو، ۱۳۹۲: ۵۵). این محرک‌ها میزان بار محیطی، یعنی حجم اطلاعات حسی محیط، را برای ما آشکار می‌سازند.

۲-۳. رابطه کودک با محیط: برقراری ارتباط کودک با محیط مسکونی

سلامت و آرامش زندگی افراد نتیجه ارتباط متقابل میان انسان‌ها (روابط اجتماعی) و تعامل آنها با محیط زندگی‌شان (ابعاد فیزیکی محیط) است (Sallis, 1998: 379). وضعیت اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی محیط بر سلامت ساکنان تأثیر می‌گذارد و می‌تواند احتمال بروز ناهنجاری را افزایش یا کاهش دهد (Syme, 1976: 2). برای رشد ذهنی، کودکان به تحریکات حسی نیاز دارند که از طریق تعامل با دنیای پیرامون امکان‌پذیر می‌شود (Fisher, 2005: 33). روان‌شناسان به نقش محیط بر رفتار و سلامت کودکان توجه داشته و بر این باورند که فضای محیطی می‌تواند روابط اجتماعی کودکان را تقویت کند (Beletsik, 2007: 98). ارتباط کودکان با محیط‌هایی نظیر زمین‌های بازی به رشد جسمی، ذهنی و شکل‌گیری شخصیت آنها کمک می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، عوامل محیطی نقش مهمی در سلامت روان دارند. همه نظریه‌های روان‌شناسی محیطی بر تأثیر دوسویه محیط و انسان تأکید دارند. روان‌شناسان بر این باورند که پدیده‌های روانی نتیجه تعامل انسان و محیط هستند و تنها تفاوت دیدگاه‌ها در میزان تأثیرگذاری این عوامل مختلف است (کدیور، ۱۳۶۲: ۳۳). از طریق مشارکت محیطی، کودک می‌تواند احساس تعلق، ارزش‌مندی و درک اجتماعی به‌دست آورد و به‌این‌ترتیب خود را تنها یک ناظر بی‌تفاوت تلقی نکند. به عبارتی، محیط برای کودک اهمیت دارد و پیوسته توسط او ارزیابی می‌شود (Sutton & Kemp, 2002: 172). محیط‌هایی با ویژگی‌هایی همچون سطوح هموار، سطوح شیب‌دار، فضاها، مرتفع، سرپناه‌ها، و مواد قابل تغییر مانند گل، خاک و آب، می‌توانند مهارت‌ها و خلاقیت محیطی کودک را افزایش دهند. پژوهشگران معتقدند که کودکان جویندگان فعال و پرنرژی هستند که از طریق تأثیر مستقیم بر محیط، افکار خود را تقویت می‌کنند (برک، ۱۳۸۴: ۵۵۵). گرچه ویژگی‌های ژنتیکی پایه شخصیت انسان را تشکیل می‌دهند، اما توسعه و تثبیت آن‌ها به شرایط محیطی و اجتماعی وابسته است. محیط‌های

یکنواخت و ملال‌آور می‌توانند اثرات منفی بر کودکان بگذارند، درحالی‌که فضاهای باز، طبیعت، زندگی اجتماعی سالم، همراه با فعالیت‌های شادی‌آور، قصه‌گویی و موسیقی اثرات مثبتی بر آنها دارند (شیعه، ۱۳۸۵). کمبود امکانات محیطی نظیر فضای سبز و تفریحی و نواقص طراحی ساختمان‌ها می‌تواند به مشکلات تحصیلی، اخلاقی، و رفتاری منجر شده و روابط خانوادگی و سلامت روانی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. ویژگی‌های محیطی می‌توانند بر رفتار و سبک زندگی انسان‌ها تأثیر بگذارند و محیط نه تنها شامل ابعاد فیزیکی بلکه پیام‌های نمادین نیز می‌شود. محیط، روابط فیزیکی، اجتماعی و نمادین افراد را تسهیل یا محدود می‌کند (Marcus, 1986: 554). تجارب حاصل از محیط و تأثیرات آن بر کودک، رشد جسمانی و سلامت روان او را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. کمبود محرک‌های محیطی و عدم امکان تجربه‌های حسی - حرکتی و شناختی می‌تواند تأثیرات منفی بر رشد روانی و اجتماعی کودکان بگذارد. غنی‌سازی محیط از طریق افزایش محرک‌های اجتماعی، ادراکی و عاطفی می‌تواند تأخیرهای ناشی از فقر محیطی را کاهش دهد (یوسف‌زاده، ۱۳۹۸). محیط بر شکل‌گیری رفتار و رشد ذهنی و جسمی انسان‌ها اثرگذار است و این رابطه در ابعاد مختلف وجود دارد (بهروزفر، ۱۳۸۳). کودکان به دلیل شرایط جسمی و روانی نسبت به بزرگسالان بیشتر تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرند و توان کمتری در تغییر آن دارند، به همین دلیل وابستگی بیشتری به شرایط محیطی دارند (بهروزفر، ۱۳۸۰). محیط کودکان می‌تواند بر یادگیری، رشد هیجانی، اجتماعی، شناختی و فیزیکی آنها اثر بگذارد. تفکیک انسان از محیطش غیرممکن است؛ افراد با فعالیت‌های خود بر محیط اثر می‌گذارند و محیط نیز بر آنها تأثیر می‌گذارد (Acar, 2014: 845).

۲-۴. اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان

۲-۴-۱. اصول طراحی فضاهای باز و سبز برای بازی و فعالیت کودکان

فضاهای باز و سبز یکی از ضروریات در طراحی مجتمع‌های مسکونی هستند که به کودکان اجازه می‌دهند در محیطی ایمن به فعالیت‌های جسمی بپردازند. این فضاها، به کودکان فرصت تجربه تعامل با طبیعت را می‌دهد و به کاهش استرس و افزایش شادی آن‌ها کمک می‌کند. حضور فضاهای بازی در مجتمع‌های مسکونی علاوه بر تقویت مهارت‌های اجتماعی، زمینه‌ساز ایجاد حس استقلال و خلاقیت در کودکان می‌شود.

جدول ۱. اصول طراحی فضاهای سبز و باز برای سلامت روان کودکان

اصل طراحی	توضیحات	عناصر کلیدی
ایجاد فضاهای سبز	فضاهای سبز و باغچه‌های کوچک به کودکان امکان می‌دهند که با طبیعت تعامل کنند و استرس خود را کاهش دهند.	گیاهان بومی، مسیرهای بازی، فضای طبیعی
مکان‌های بازی امن	طراحی زمین‌های بازی مناسب و ایمن که از نظر ساختاری و بصری برای کودکان جذاب باشند.	زمین‌های بازی، نیمکت‌ها، محل سایه
دسترسی آسان و ایمن	دسترسی آسان به فضاهای باز از داخل ساختمان و اطمینان از امنیت در مسیرها.	مسیرهای امن، بدون موانع ترافیکی

۲-۴-۲. طراحی فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی بین خانواده‌ها و کودکان

فضاهای اشتراکی نه تنها به ایجاد تعاملات اجتماعی بین کودکان کمک می‌کند، بلکه باعث ایجاد همبستگی بین خانواده‌ها نیز می‌شود. این فضاها شامل محوطه‌های بازی مشترک، سالن‌های اجتماع، و مکان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی هستند که تعامل اجتماعی و تعلق به جامعه را در کودکان تقویت می‌کنند. این فضاها در رشد مهارت‌های اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد به نفس در کودکان نقشی اساسی دارند.

جدول شماره ۲. طراحی فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی بین خانواده‌ها و کودکان

اصل طراحی	توضیحات	عناصر کلیدی
فضاهای تعاملی برای کودکان	فضاهایی برای ایجاد تعامل بین کودکان و تشویق به بازی‌های گروهی و اجتماعی.	اتاق بازی، سالن اجتماع، زمین‌های ورزشی
ایجاد حس جامعه‌پذیری	فضاهای مشترک به والدین و کودکان کمک می‌کنند حس تعلق به جامعه داشته باشند.	فضای گفتگو، حیاط مشترک، مسیرهای پیاده‌روی
فعالیت‌های خانوادگی	فراهم کردن فضاهایی که خانواده‌ها بتوانند همراه با کودکان فعالیت کنند و روابطشان تقویت شود.	محوطه‌های تفریحی، سالن چندمنظوره

۳-۴-۲. نور، تهویه و ایمنی فضاها و تأثیر آن بر آرامش و راحتی کودکان

نور طبیعی و تهویه مناسب دو عنصر مهم در طراحی مجتمع‌های مسکونی هستند که به بهبود خلق‌وخو و آرامش کودکان کمک می‌کنند. نور طبیعی باعث ترشح هورمون سروتونین و بهبود وضعیت روانی می‌شود و تهویه مناسب، جریان هوای سالم را تضمین می‌کند. علاوه بر این، ایمنی در طراحی، تضمین می‌کند که کودکان در فضایی مطمئن بازی و استراحت کنند که این امر به کاهش اضطراب و افزایش رفاه روانی آن‌ها کمک می‌کند.

جدول شماره ۳. نور، تهویه و ایمنی فضاها و تأثیر آن بر آرامش و راحتی کودکان

اصل طراحی	توضیحات	عناصر کلیدی
استفاده از نور طبیعی	نور طبیعی به بهبود خلق و خوی کودکان و کاهش استرس کمک می‌کند.	پنجره‌های بزرگ، نورگیرها
تهویه مناسب	جریان هوای تازه به ایجاد محیطی سالم و بدون رطوبت کمک می‌کند.	سیستم تهویه، پنجره‌های بازشو
ایمنی فضا	طراحی و ساخت فضاها به گونه‌ای که خطرات فیزیکی برای کودکان به حداقل برسد.	محافظ پنجره‌ها، کف‌های ضد لغزش

۲-۴-۲. بررسی مواد و رنگ‌ها در طراحی داخلی فضاهای مسکونی

مواد و رنگ‌های به‌کاررفته در طراحی داخلی نیز تأثیر بسزایی در آرامش روانی کودکان دارند. استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش مانند آبی و سبز، احساس امنیت و تمرکز را در کودکان تقویت می‌کند. همچنین، به‌کارگیری مواد طبیعی و غیر سمی در ساخت و دکوراسیون فضاها می‌تواند به ایجاد محیطی سالم و آرام کمک کند که اثرات مثبت بر رفتار و خلق و خوی کودکان دارد.

جدول شماره ۴. بررسی مواد و رنگ‌ها در طراحی داخلی فضاهای مسکونی

اصل طراحی	توضیحات	عناصر کلیدی
رنگ‌های آرامش‌بخش	استفاده از رنگ‌هایی که احساس آرامش و امنیت را در کودکان ایجاد می‌کنند.	رنگ‌های ملایم مثل آبی و سبز
مواد طبیعی و ایمن	مواد استفاده شده باید غیر سمی و ایمن برای سلامت کودکان باشند.	چوب، رنگ‌های بدون سرب
طراحی بافت‌های ملایم	استفاده از بافت‌های نرم و راحت که خطرات فیزیکی را کاهش دهند.	فرش نرم، پارچه‌های ضد حساسیت

۵-۴-۲. انعطاف‌پذیری فضاهای داخلی برای تطابق با نیازهای متغیر کودکان

کودکان در مراحل مختلف رشد نیازهای متفاوتی دارند و طراحی فضاهایی که به‌راحتی قابل تغییر و تطابق باشند، می‌تواند به والدین کمک کند تا محیطی مناسب برای هر مرحله از رشد کودکان فراهم آورند. این انعطاف‌پذیری در طراحی، امکان تغییر چیدمان و ساختار اتاق‌ها را برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی، تفریحی و شخصی کودکان فراهم می‌کند و به افزایش احساس راحتی و آرامش روانی آن‌ها کمک می‌کند.

جدول ۵. انعطاف‌پذیری فضاهای داخلی برای تطابق با نیازهای متغیر کودکان

اصل طراحی	توضیحات	عناصر کلیدی
امکان تغییر چیدمان فضا	فضاهایی که به راحتی برای نیازهای متفاوت کودکان قابل تغییر باشند.	دیوارهای متحرک، مبلمان قابل تغییر
تطابق با مراحل رشد کودک	طراحی فضاهایی که بتوانند با رشد و تغییر نیازهای کودک به‌روز شوند.	فضاهای چندمنظوره، قفسه‌های قابل تنظیم
ایجاد فضاهای چندکاربردی	امکان استفاده چندمنظوره از فضاها برای پاسخ به نیازهای متنوع کودکان.	اتاق‌های چندمنظوره، میزهای قابل تنظیم

۵-۲. پیشینه تحقیق

عظمتی و فریدون زاده (۱۳۹۲) به پژوهشی با عنوان مدلیابی ساختاری رضایت مندی کودکان از فضاهای باز مجتمع های مسکونی پرداختند. این تحقیق، بررسی رضایت مندی کودکان از فضاهای باز مجتمع های مسکونی در قالب یک مدل علی است. پژوهش حاضر از نوع همبستگی طرح مدلیابی روابط ساختاری می باشد که ۱۴۷ نفر از والدین ساکن در مجتمع های مسکونی شهرک شهید فلاحی و شهرک امید تهران به شیوه خوشه ای تصادفی انتخاب شدند تا ۵۷ سوال پرسشنامه مربوط به دیدگاه والدین در فضاهای باز مجتمع های مسکونی را پاسخ دهند. روایی ابزار مورد بررسی از روش محتوایی و سازه مورد مطالعه نشان داد که ابزار دارای روایی مناسبی است. همچنین میزان پایایی این ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ $\alpha = 0.954$ به دست آمده است. با استفاده از روش تحلیل مسیر و رگرسیون و تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر آموزش پذیری فضاهای باز مجتمع های مسکونی مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان دادند که عوامل برای رضایت مندی کودکان از فضاهای باز در مجتمع های مسکونی به تبعیت از روابط مستقیم و غیرمستقیم صورت می پذیرد. نتایج به دست آمده نشان داد که، متغیر های عوامل طبیعی (پوشش گیاهی)، فرم فضا و ارگونومی به طور مستقیم در رضایت مندی کودکان از فضاهای باز مجتمع های مسکونی تاثیر دارند و متغیر های انعطاف پذیری وسایل بازی کودکان، عوامل محرک بصری به طور غیرمستقیم بر رضایت مندی کودکان از فضاهای باز مجتمع های مسکونی تاثیر دارند. در پژوهشی دیگر حسینی و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان اصول طراحی عرصه میانی مجتمع های مسکونی برای انگیزش بازی کودک پرداختند. هدف از پژوهش حاضر ارتقای رشد اجتماعی کودکان ۳ تا ۶ ساله از طریق بیان اصول طراحی عرصه میانی مجتمع های مسکونی میان مرتبه با تأکید بر بهره گیری از قابلیت های بازی انگیزی محیط است. در این پژوهش، بر پایه تلفیق نظریات مرتبط با موضوع پژوهش، از روش ترکیبی (کمی و کیفی) استفاده شده است. در این مسیر پس از انتخاب نمونه مورد مطالعه و گردآوری داده ها به کمک ابزار پرسش نامه، با روش تحلیل عاملی مهم ترین عامل های تأثیرگذار در انگیزش بازی کودک به دست آمد. در ادامه، بر اساس تجزیه و تحلیل داده ها، فرضیه های پژوهش بررسی و تفسیر شد. یافته ها نشان داد که تأثیر «سرزندگی محیط» و «عوامل محرک طبیعی» در عرصه میانی مجتمع مسکونی بر «تحریک حواس» کودکان و نیز تأثیر «عوامل محرک طبیعی»، «سرزندگی محیط»، «خوانایی محیط کودک محور»، و «نظارت پذیری» عرصه میانی مجتمع مسکونی بر «تعاملات اجتماعی (نسلی- بین نسلی)» آنها برای انگیزش بازی مثبت و معنادار است. پس از حصول اطمینان از درستی فرضیه های پژوهش، اصول طراحی عرصه میانی مجتمع های مسکونی استخراج و به آزمون کودکان ۳ تا ۶ ساله گذاشته شد. همچنین در پژوهشی دیگر صادق صابری و همکاران (۱۳۹۵) به پژوهشی با عنوان طراحی فضای کنش اجتماعی کودکان در محوطه باز مجتمع های مسکونی با رویکرد خلاقیت و تعاملات اجتماعی پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد و با توجه به ابزار پرسشنامه با روش همبستگی، رابطه میان

متغیرهای ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان را در فضای باز مجتمع های مسکونی، بررسی شده است و نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت کالبدی و فضایی محیط، تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط، مشارکت کودکان، آسایش و امنیت و خیال پردازی از جمله مولفه های موثر در رشد خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان هستند که هر کدام نیز نسبت به هم در رتبه و اولویتی قرار دارند که می تواند کمک اندکی به معماران باشد در جهت شناخت بهتر خصوصیات کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی برای کودکان با توجه به نیازهای واقعی آنان.

۳-روش پژوهش

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی اصول طراحی مجتمع های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان در معماری ایران، رویکردی کیفی و توصیفی-تحلیلی اتخاذ کرده است. برای دستیابی به نتایج معتبر، ابتدا با مرور مبانی نظری و تحقیقات پیشین، شاخص های کلیدی و اصول طراحی بهینه محیط های مسکونی برای کودکان شناسایی شد. این اصول شامل فضاهای بازی ایمن، فضاهای سبز، دسترسی مناسب به نور طبیعی، فضاهای تعاملی برای ارتباطات اجتماعی کودکان و استفاده از متریال های غیرسمی است. مرحله بعدی مطالعه بر نمونه هایی از مجتمع های مسکونی در ایران تمرکز داشت که با ویژگی های سنتی و مدرن ساخته شده اند. انتخاب این نمونه ها به گونه ای بود که بتوانند تنوع معماری ایران را از سنتی تا معاصر بازتاب دهند و به بررسی چگونگی تطبیق این اصول در محیط های گوناگون بپردازند. این نمونه ها شامل مجتمع های مسکونی در شهرهای بزرگ و متوسط ایران بودند که به صورت میدانی مورد مشاهده و بررسی قرار گرفتند. گردآوری داده ها از طریق مشاهدات میدانی، مستندسازی دقیق ویژگی های معماری هر مجتمع، و همچنین مصاحبه های نیمه ساختاریافته با متخصصان معماری، طراحان و برخی از ساکنین انجام شد تا دیدگاه های متنوعی در مورد کیفیت و تأثیر محیط بر سلامت روان کودکان به دست آید. تحلیل داده ها با استفاده از روش کدگذاری کیفی صورت گرفت و سعی شد تا الگوها، عوامل مؤثر و موانع موجود در به کارگیری اصول طراحی در محیط های مسکونی شناسایی شوند. بر اساس یافته ها، عناصر خاصی در مجتمع های مسکونی می توانند تأثیرات مثبتی بر رشد روانی و اجتماعی کودکان داشته باشند؛ از جمله فضاهای سبز و باز که نه تنها امکان بازی آزاد را برای کودکان فراهم می کنند، بلکه تعاملات اجتماعی بین کودکان و خانواده ها را تقویت می نمایند. همچنین، طراحی فضاهای مناسب با مقیاس کودک، دسترسی به نور طبیعی و ایجاد فضاهای امن و سالم از جنبه های مهم این تحقیق بود. نتیجه گیری این پژوهش نشان می دهد که طراحی اصولی مجتمع های مسکونی در ایران می تواند تأثیر مستقیمی بر سلامت روان و رشد عاطفی کودکان داشته باشد. در پایان، بر اساس یافته ها، پیشنهادهای جهت بهبود طراحی محیط های مسکونی ارائه شد که شامل توصیه هایی برای ایجاد فضاهای بازی مناسب، فضاهای اجتماعی تعاملی و استفاده از

عناصر طبیعی در محیط‌های مسکونی است. امید است این پژوهش بتواند الگویی برای معماران و طراحان در جهت بهبود کیفیت زندگی کودکان و ارتقاء سلامت روان آنان در محیط‌های مسکونی فراهم کند.

۴- یافته های پژوهش

برای تحلیل تطبیقی اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان در معماری ایران، لازم است ابتدا به بررسی معماری سنتی و مدرن ایران بپردازیم. در این تحلیل، از چهار عامل اصلی شامل فضاهای باز و سبز، فضاهای اشتراکی، نور و تهویه مناسب، و انتخاب مواد و رنگ‌ها استفاده می‌کنیم. جدول زیر مقایسه‌ای میان معماری سنتی و مدرن ایران بر اساس این عوامل ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه هر کدام از این عوامل بر سلامت روان کودکان تأثیر می‌گذارد.

جدول ۶. تحلیل تطبیقی اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان

عامل	معماری سنتی ایران	معماری مدرن ایران	تأثیر بر سلامت روان کودکان
فضاهای باز و سبز	شامل حیاط‌های سبز و باغچه‌ها که امکان تعامل با طبیعت را فراهم می‌کنند.	فضاهای سبز محدود، معمولاً در بالکن یا فضاهای کم‌وسعت تعبیه می‌شود.	تعامل با طبیعت در فضاهای سبز منجر به کاهش استرس، افزایش حس شادی و بهبود تمرکز در کودکان می‌شود.
فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی	محله‌های کوچک، میدان‌ها و حیاط‌های اشتراکی که تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کنند.	کمبود فضاهای اشتراکی به دلیل تراکم بالای ساخت و تمرکز بر واحدهای مسکونی مستقل.	تعاملات اجتماعی، رشد مهارت‌های ارتباطی و افزایش اعتماد به نفس کودکان را تسهیل می‌کند و از انزوای آنان می‌کاهد.
نور و تهویه مناسب	استفاده از پنجره‌های بزرگ و جهت‌گیری مناسب برای بهره‌مندی از نور طبیعی و تهویه مناسب.	پنجره‌های کوچک و محدودیت نور طبیعی در بسیاری از طراحی‌های مدرن.	نور طبیعی باعث بهبود خلق‌وخو، تنظیم ریتم خواب و کاهش اضطراب در کودکان می‌شود.
انتخاب مواد و رنگ‌ها	استفاده از مواد طبیعی مانند چوب، آجر و رنگ‌های ملایم و طبیعی که با طبیعت هماهنگ هستند.	استفاده از مواد مصنوعی و رنگ‌های تند که گاهی حاوی مواد شیمیایی مضر هستند.	مواد طبیعی و رنگ‌های ملایم باعث کاهش اضطراب و ایجاد حس آرامش در کودکان می‌شوند.

در بررسی تطبیقی اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی، تأکید بر سلامت روان کودکان در معماری ایران به شناخت ویژگی‌های کلیدی‌ای منجر شده که در طراحی سنتی مورد توجه قرار می‌گیرند و در معماری مدرن به میزان کمتری به آنها پرداخته می‌شود. این ویژگی‌ها شامل فضاهای باز و سبز، فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی، نور و تهویه مناسب، و استفاده از مواد و رنگ‌های طبیعی است. در ادامه، هر یک از این اصول با تأکید بر اثراشان بر سلامت روان کودکان به‌طور مفصل تحلیل می‌شوند.

فضاهای باز و سبز یکی از مهم‌ترین اجزای طراحی در معماری سنتی ایران به‌شمار می‌آیند. این فضاها مانند باغ‌ها و حیاط‌های مرکزی، امکان ارتباط مستقیم با طبیعت را فراهم می‌کنند و در عین حال فرصتی برای فعالیت بدنی و تعامل کودکان با محیط اطرافشان ایجاد می‌کنند. تجربه مستقیم طبیعت، نه تنها حس آرامش و کاهش استرس را به کودکان منتقل می‌کند، بلکه به افزایش تمرکز و توجه آنان نیز کمک می‌کند. وجود فضاهای سبز در معماری سنتی به‌عنوان بخشی از فرهنگ و سبک زندگی ایرانی باعث می‌شود کودکان در محیطی رشد کنند که از تعامل با طبیعت بهره‌مند شوند. در مقابل، معماری مدرن به دلیل افزایش تراکم ساختمانی و بهره‌وری اقتصادی، اغلب از این فضاها غافل شده است. کاهش فضاهای سبز در طراحی‌های مدرن منجر به کاهش فعالیت بدنی کودکان و افزایش تنش روانی آنها می‌شود. برای حل این مسئله، پیشنهاد می‌شود معماران در طراحی‌های مدرن از فضاهای سبز عمومی و باغچه‌های کوچک استفاده کنند، تا کودکان همچنان بتوانند از این امکانات بهره‌مند شوند. در کنار فضاهای سبز، فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی نیز در معماری سنتی ایران نقش اساسی ایفا می‌کنند. این فضاها مانند حیاط‌های جمعی، نه تنها برای کودکان، بلکه برای تمام ساکنان یک محله یا مجتمع امکان تعاملات اجتماعی و تقویت روابط انسانی را فراهم می‌آورند. وجود چنین فضاهایی به رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان کمک می‌کند و حس تعلق و امنیت را در آنان تقویت می‌کند. در معماری مدرن، به دلیل تمرکز بر بهره‌وری اقتصادی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، این فضاهای اشتراکی به‌ندرت طراحی می‌شوند و در نتیجه منجر به انزوای اجتماعی کودکان و کاهش رشد مهارت‌های ارتباطی آنها می‌شود. برای رفع این محدودیت، پیشنهاد می‌شود که در مجتمع‌های مسکونی مدرن، فضاهای اشتراکی و بازی برای کودکان طراحی شود. این فضاها به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند با همسالان خود تعامل کنند و مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند. نور طبیعی و تهویه مناسب نیز از عناصر کلیدی در معماری سنتی ایران هستند که اثرات مثبتی بر سلامت روانی کودکان دارند. نور طبیعی، به‌ویژه در ساعات صبح، می‌تواند به تنظیم چرخه خواب کودکان کمک کند و باعث کاهش اضطراب و بهبود روحیه آنان شود. تهویه مناسب و جریان هوای تازه نیز تأثیرات مثبتی بر سلامتی و راحتی روانی کودکان دارد. در معماری سنتی، با استفاده از پنجره‌های بزرگ و سقف‌های مرتفع، تهویه طبیعی و دسترسی به نور کافی برای ساکنان فراهم می‌شود. اما در معماری مدرن، به دلیل تراکم ساختمانی بالا و تمایل به ساخت برج‌ها، این اصول طراحی اغلب به‌خوبی رعایت نمی‌شود و پنجره‌ها کوچکتر و تهویه کمتر دیده می‌شود. این مسئله منجر به افزایش استرس و کاهش آرامش روانی کودکان می‌شود. برای بهبود این وضعیت، پیشنهاد می‌شود که در طراحی‌های جدید از پنجره‌های بزرگ و نورگیرهای طبیعی استفاده شود تا کودکان از نور و تهویه مناسب برخوردار شوند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر سلامت روان کودکان، انتخاب مواد و رنگ‌ها است. در معماری سنتی ایران، استفاده از مواد طبیعی همچون چوب و آجر و همچنین رنگ‌های ملایم و هماهنگ با طبیعت، احساس آشنایی و آرامش را در فضای مسکونی ایجاد می‌کند. این مواد و رنگ‌ها تأثیر مثبتی بر

سلامت روانی کودکان دارند و به کاهش اضطراب و افزایش حس امنیت روانی آنان کمک می‌کنند. استفاده از رنگ‌های ملایم مانند سبز و آبی و مواد طبیعی، فضای آرامش‌بخشی برای کودکان ایجاد می‌کند. اما در معماری مدرن، به دلیل استفاده از مواد مصنوعی و رنگ‌های تند، این حس آشنایی و آرامش از بین رفته است. این رنگ‌ها و مواد مصنوعی می‌توانند تأثیرات منفی بر سلامت روانی کودکان داشته باشند و باعث افزایش اضطراب و ناآرامی در آنان شوند. پیشنهاد می‌شود که در طراحی‌های مدرن، از مواد طبیعی و رنگ‌های ملایم و هماهنگ با طبیعت استفاده شود تا کودکان بتوانند در محیطی امن و آرامش‌بخش زندگی کنند.

در کل می‌توان گفت که اصول طراحی معماری سنتی ایران با تأکید بر فضاهای باز و سبز، فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی، نور و تهویه مناسب، و استفاده از مواد و رنگ‌های طبیعی، توانسته است محیطی سالم و آرامش‌بخش برای کودکان فراهم کند. این ویژگی‌ها در معماری مدرن کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و این موضوع ممکن است تأثیرات منفی بر سلامت روان کودکان داشته باشد. با این حال، با اعمال تغییراتی در طراحی‌های مدرن و بازگشت به این اصول مهم، می‌توان محیط‌هایی ایجاد کرد که به سلامت روان کودکان توجه بیشتری دارند و به رشد جسمی و روانی آنان کمک می‌کنند. طراحی فضاهای سبز عمومی و باغچه‌ها، ایجاد فضاهای اشتراکی و بازی، استفاده از نور و تهویه طبیعی، و بهره‌گیری از مواد و رنگ‌های طبیعی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به ارتقای کیفیت زندگی کودکان و بهبود سلامت روانی آنان در مجتمع‌های مسکونی مدرن کمک کنند. توجه به این اصول، معماران را در خلق فضاهایی که به نیازهای جسمی و روانی کودکان پاسخ می‌دهند، یاری می‌دهد و موجب ایجاد محیط‌هایی سالم و حمایت‌کننده برای خانواده‌ها و جامعه خواهد شد.

۵- نتیجه‌گیری

معماری مسکونی به‌ویژه در طراحی مجتمع‌ها، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری سلامت روانی ساکنان، به‌ویژه کودکان دارد. در ایران، اصول معماری سنتی همواره با ایجاد فضاهای باز، نور طبیعی، تهویه مناسب، و استفاده از رنگ‌ها و مواد طبیعی، محیطی آرام و سالم برای رشد کودکان فراهم کرده است. با این حال، روندهای معماری مدرن به دلیل تمرکز بر بهره‌وری و تراکم بیشتر، اغلب این ویژگی‌ها را نادیده گرفته‌اند. این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی تطبیقی اصول طراحی سنتی و مدرن، اثرات این فضاها را بر سلامت روانی کودکان تحلیل کند و راهکارهایی برای بهبود طراحی‌های امروزی با تأکید بر نیازهای کودکان و تأمین سلامت روانی آنان ارائه دهد. در نتیجه‌گیری پژوهش، می‌توان گفت که اصول طراحی معماری سنتی ایران به شکل مؤثری توانسته‌اند محیط‌هایی سالم و حمایت‌کننده برای سلامت روان کودکان فراهم کنند. این اصول شامل فضاهای باز و سبز، فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی، نور و تهویه

مناسب، و استفاده از مواد و رنگ‌های طبیعی است که به بهبود وضعیت روانی کودکان کمک کرده و آنها را در فضایی آرامش‌بخش و پویا قرار می‌دهد. معماری سنتی ایران، با توجه به ارزش‌های فرهنگی و اقلیمی، این فضاها را به نحوی طراحی کرده که ارتباط با طبیعت، فرصت تعاملات اجتماعی، و دسترسی به منابع طبیعی مانند نور خورشید و هوای تازه را به حداکثر برساند. این ویژگی‌ها، نه تنها به کاهش استرس و افزایش تمرکز در کودکان منجر می‌شوند، بلکه مهارت‌های اجتماعی آنان را نیز تقویت می‌کنند و حس امنیت و تعلق خاطر را افزایش می‌دهند.

با بررسی تطبیقی بین معماری سنتی و مدرن، مشخص شد که در معماری مدرن به دلیل افزایش تراکم و تمرکز بر بهره‌وری اقتصادی، این اصول کمتر رعایت می‌شوند. به عنوان مثال، فضاهای باز و سبز در طراحی‌های مدرن اغلب کاهش یافته‌اند، که این امر منجر به کاهش فعالیت بدنی کودکان و افزایش تنش روانی آنان می‌شود. همچنین، فضاهای اشتراکی که به رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان کمک می‌کنند، در معماری مدرن به دلیل محدودیت‌های فضایی و اقتصادی کم‌رنگ‌تر شده‌اند. این عدم وجود فضاهای اشتراکی می‌تواند به انزوای اجتماعی و کاهش فرصت‌های تعامل کودکان منجر شود. علاوه بر این، نور و تهویه مناسب در طراحی‌های مدرن نیز اغلب قربانی محدودیت‌های ساختاری می‌شوند؛ کوچک‌تر شدن پنجره‌ها و تراکم بیشتر ساختمان‌ها، دسترسی به نور و هوای تازه را محدود می‌کند و در نتیجه، محیط زندگی برای کودکان از نظر روانی کمتر مطلوب می‌شود. استفاده از مواد و رنگ‌های طبیعی، یکی دیگر از اصول مهم در معماری سنتی است که در معماری مدرن نادیده گرفته می‌شود. مواد و رنگ‌های طبیعی، حس آرامش و آشنایی را ایجاد می‌کنند و تأثیرات مثبتی بر سلامت روانی کودکان دارند. در مقابل، استفاده از مواد مصنوعی و رنگ‌های تند و ناسازگار با طبیعت در معماری مدرن، می‌تواند اضطراب و تنش روانی کودکان را افزایش دهد. برای ایجاد تعادل بین نیازهای مدرن و ارزش‌های مثبت معماری سنتی، پیشنهاد می‌شود که معماران و طراحان در طراحی‌های جدید به ایجاد فضاهای سبز عمومی، فضاهای اشتراکی و بازی، استفاده از پنجره‌های بزرگ و نورگیرهای طبیعی، و بهره‌گیری از مواد و رنگ‌های طبیعی توجه بیشتری کنند. این اقدامات نه تنها می‌توانند کیفیت زندگی کودکان را بهبود بخشند، بلکه سلامت روانی آنان را نیز تقویت می‌کنند و فضایی مناسب برای رشد جسمی و روانی آنان فراهم می‌سازند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به نیازهای روانی کودکان و ایجاد محیط‌هایی که به رشد و آرامش آنها کمک کنند، ضروری است. بازگشت به اصول معماری سنتی و استفاده از آنها به شکل بهینه در طراحی‌های مدرن، می‌تواند پاسخی مناسب به چالش‌های معماری امروز باشد. این راهبردها نه تنها موجب بهبود کیفیت زندگی کودکان می‌شوند، بلکه به پایداری و همگامی طراحی‌های مدرن با اصول طبیعت‌محور و فرهنگ‌دوست معماری سنتی کمک می‌کنند و به ایجاد محیطی امن و سلامت‌محور برای نسل‌های آینده منجر می‌شوند. راهکارهای این پژوهش برای بهبود طراحی مجتمع‌های مسکونی و توجه به سلامت روانی کودکان به شرح زیر هستند:

افزایش فضاهای باز و سبز: ایجاد فضاهای باز و سبز در محیط‌های مسکونی باعث تقویت ارتباط کودکان با طبیعت می‌شود و نقش مهمی در کاهش استرس و افزایش تمرکز آنها دارد. پیشنهاد می‌شود در طراحی‌های جدید، محوطه‌های سبز، باغچه‌ها و فضاهای بازی مناسب با سن کودکان، در نظر گرفته شوند تا این فضاها به رشد فیزیکی و روانی کودکان کمک کنند.

تقویت فضاهای اشتراکی و تعاملات اجتماعی: معماری مدرن اغلب بر بهره‌وری زمین متمرکز است و فضاهای اشتراکی را فدای تراکم بیشتر می‌کند. برای جلوگیری از این مشکل و کاهش انزوای اجتماعی، ایجاد فضاهای اشتراکی مانند سالن‌های بازی و ورزش، پارک‌ها و محوطه‌های خانوادگی برای تعامل کودکان و بزرگسالان، از اهمیت بالایی برخوردار است. این فضاها نه تنها موجب ارتقای مهارت‌های ارتباطی کودکان می‌شوند، بلکه به تقویت احساس تعلق در آنها نیز کمک می‌کنند.

توجه به نور طبیعی و تهویه مناسب: نور طبیعی و تهویه کافی، عواملی مهم در بهبود خلق و خوی کودکان و کاهش اضطراب هستند. استفاده از پنجره‌های بزرگ، نورگیرها و تهویه مناسب در طراحی‌ها توصیه می‌شود. این عوامل به بهبود خواب و تنظیم چرخه روز و شب در کودکان کمک می‌کنند و فضایی آرامش‌بخش‌تر برای آنها فراهم می‌سازند.

استفاده از مواد و رنگ‌های طبیعی: انتخاب رنگ‌های ملایم و طبیعی و استفاده از مواد پایدار و دوستدار محیط زیست، مانند چوب و آجر، می‌تواند محیطی آرام و دلپذیر برای کودکان ایجاد کند. این رویکرد در کاهش تحریکات روانی و اضطراب کودکان مؤثر است. طراحان باید از رنگ‌های تند و مواد مصنوعی که ممکن است بر روان کودکان تأثیر منفی داشته باشند، اجتناب کنند.

طراحی فضاهای آرام برای استراحت و مطالعه: برای افزایش تمرکز و فراهم‌سازی محیطی آرام، پیشنهاد می‌شود فضاهای اختصاصی برای استراحت، مطالعه، و فعالیت‌های خلاقانه کودکان در نظر گرفته شود. این فضاها با توجه به نیازهای ذهنی و روانی کودکان می‌تواند به بهبود خلاقیت و انگیزه آنها کمک کند.

افزایش امنیت و حس آرامش: ایجاد فضاهای ایمن، بدون وجود خطرات فیزیکی و با نظارت کافی، احساس امنیت را در کودکان تقویت می‌کند. همچنین در طراحی‌ها باید به عواملی که باعث ایجاد امنیت روانی و محیطی می‌شوند، مانند دید مستقیم والدین به محل بازی کودکان و استفاده از نورپردازی ملایم در شب، توجه ویژه‌ای شود.

منابع

(۱) برک، لورا ای. (۱۳۸۴). روانشناسی رشد، ترجمه سید یحیی محمدی، نشر ارسباران، تهران.

- (۲) بهاروند، شکوفه. «بررسی و بازبینی مفهوم شهر دوستدار کودک از مشارکت‌سازی کودکان تا استانداردهای طراحی؛ با ارائه راهکارهای اجرایی و راهبردی»، در نشریه مدیریت شهری، ش ۳۴ (بهار ۱۳۹۳)، ص ۲۹۷-۳۲۲.
- (۳) جلیلی، محمد و علیرضا عینی‌فر و غلامرضا طلایسچی. «فضای باز مجموعه‌های مسکونی و پاسخ‌دهی محیطی؛ مطالعه تطبیقی سه مجموعه مسکونی در شهر همدان»، در نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، ش ۴ (زمستان ۱۳۹۲)، ص ۵۷-۶۸.
- (۴) حسینی، آرزو، صالحی نیا، مجید، شفايي، مینو، و صالح صدق پور، بهرام. (۱۴۰۰). اصول طراحی عرصه ی میانی مجتمع های مسکونی برای انگیزش بازی کودک. صفه، ۳۱ (۹۲)، ۸۲-۶۹.
<https://sid.ir/paper/384190/fa>
- (۵) ساسانی، مژگان و علیرضا عینی‌فر و حسین ذبیحی. «تحلیل رابطه بین کیفیت فضای میانی و کیفیت‌های انسانی- محیطی؛ مورد پژوهی: مجتمع‌های مسکونی شهر شیراز»، در نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۹۵)، ص ۶۹-۸۰.
- (۶) سجادی قائم‌مقامی، پروین‌السادات و شهرام پوردیهیمی و اسماعیل ضرغامی. «اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی از دید جامعه صاحب‌نظران و متخصصان ایرانی»، در صفه، ش ۵۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، ص ۷۵-۸۷.
- (۷) صادق صابری، محمدجواد، قدرجانی، راضیه، و حاجیان زیدی، مهرداد. (۱۳۹۵). طراحی فضای کنش اجتماعی کودکان در محوطه باز مجتمع های مسکونی با رویکرد خلاقیت و تعاملات اجتماعی. شبک، ۲ (پیاپی ۱۳) (جلد ۴ مطالعات هنر و معماری)، ۱۳-۲۷.
<https://sid.ir/paper/504568/fa>
- (۸) عظمتی، حمیدرضا، و فریدون زاده، حسن. (۱۳۹۲). مدلیابی ساختاری رضایت مندی کودکان از فضاهای باز مجتمع های مسکونی. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۵ (۴) (مسلسل ۵۹)، ۱۱۷-۱۰۷.
<https://sid.ir/paper/392860/fa>
- (۹) قاضی زاده، ندا. (۱۳۹۰). تاثیر طراحی فضای باز مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان. پایان نامه دکترى. راهنما امیر سعید محمودی. دانشگاه تهران.
- (۱۰) کیافر، طاهر. (۱۳۹۹) اصول طراحی فضای باز مجتمع مسکونی برای دستیابی ساکنان به سطح احساسی «حضور در مکان». رساله دکترى. استاد راهنما مجید صالحی نیا، سید باقر حسینی. دانشگاه هنر اصفهان.
- (۱۱) مک اندرو، فرانسیس. (۱۳۹۲). روانشناسی محیطی. (غلامرضا محمودی، مترجم). تهران: وانی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۳).

12) Acar, Habibe. (2014). Learning environments for children in outdoor spaces, procedia, 846-853.

13) Aghdasi, M. Fathirezaie, Z. Abbaspour, K. (2021). The Effect of Environmental Contexts from Ecological Perspective on Motor Development and Creativity of

- Children. Quarterly Journal of New Thoughts on Education, 8(2):157. doi: 10.3390/children8020157 .
- 14) Alexander, C. (1966). *The City as a Mechanism for Sustaining Human Contact*. University of California, Routledge.
 - 15) Alizadeh Moghadam, S; Zakarian, M; Tashari, B. (2017). Re-designing the pedestrian path with the approach of improving the quality of people's attendance in the historical context of Yazd city, case example: Farrokhi Street Pedestrian. *Research and Urban Planning Journal*, 9(34), 133-148 [In Persian]
 - 16) Aram, F; Karai, F; Habibi, M. (2014). Investigating the role of green spaces on the presence of residents and increasing social interactions in neighborhoods with periodic markets, a case example: the daily markets of Hamedan city. *Iranian Society of Architecture and Urban Planning*, 8(13), 135-146 [In Persian]
 - 17) Azizi, M. (2006). Sustainable residential area: a case study of Narmak. *Fine arts magazine*, 27(27), 35-46 [In Persian]
 - 18) Bandar Abad, A. (2016). Comparative comparison of the concepts of "place" and "out of place" in the social development of the city from the point of view of environmental psychology. *Social Development and Welfare Planning Quarterly*, 8(32), 139-170 [In Persian]
 - 19) Beletsik, G. (2007). *Kindergarden Architecture*. (saghafi, m & Basirian, S, Trans.) Esfahan, Iran, Khak Publishing.
 - 20) Boxberger, K. Reimers, A.(2019). Parental Correlates of Outdoor Play in Boys and Girls Aged 0 to 12—A Systematic Review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*: 16(2), Doi: 10.3390/ijerph16020190.
 - 21) Chang, Z., Wang, S., & Zhang, X. (2020). Seasonal variations in physical activity and sedentary behavior among preschool children in a Central China city. *American Journal of Human Biology*, 32(6), e23406.
 - 22) Collins, A. Jodie, B. Cheryl, R. Thomas, K. (2020). Describing the Psychosocial Profile and Unmet Support Needs of Parents Caring for a Child with a Life-Limiting Condition: A Cross-Sectional Study of Caregiver-Reported Outcomes. *Palliative Medicine*, 34(3), 358-366.
 - 23) Corsaro, W. A. (2020). Big ideas from little people: What research with children contributes to social psychology. *Social Psychology Quarterly*, 83(1), 5-25.
 - 24) Cosco, N. Moore, R. Islam, M.(2010). Behavior Mapping: A Method for Linking Preschool Physical Activity and Outdoor Design. *Medicine and Science in Sports and Exercise* 42(3): 513-519.
 - 25) Dajliri, N; Kazemi, A; Nasri, R. (2018). Evaluation of architectural components effective on improving attendance in cultural-leisure complexes. 6th National Conference of Applied Researches in Civil Engineering, Architecture and Urban Management, Tehran, <https://civilica.com/doc/927350> [In Persian]
 - 26) Datar, A., Nicosia, N., & Shier, V. (2013). Parent perceptions of neighborhood safety and children's physical activity, sedentary behavior, and obesity: evidence from a national longitudinal study. *American journal of epidemiology*, 177(10), 1065-1073.
 - 27) Downing, F. (2003). Transcending Memory: Remembrance and the Design of Place. *Design Studies, collage of Architecture* 24(3): 213–235.

- 28) Ergler, C. R., Freeman, C., & Guiney, T. (2020). Walking with preschool-aged children to explore their local wellbeing affordances. *Geographical Research*, 59(1), 118-135.
- 29) Fisher, R. (2005). *Teaching children to think*, Cheltenham, Nelson Thomes.
- 30) Hinkley, T., Brown, H., Carson, V., & Teychenne, M. (2018). Cross sectional associations of screen time and outdoor play with social skills in preschool children. *PloS one*, 13(4), e0193700.
- 31) Marcus C, Sarkissian W. (1986). *Housing As If People Mattered*. site design guideline for medium-density family housing. University of California press
- 32) Pang, W., Lu, Y., Long, H., Wang, Q., & Lin, L. (2020). Three-generational families: Are they beneficial to Chinese children's creativity?. *Thinking Skills and Creativity*, 35, 100623.
- 33) Sallis JF, Bauman A, Pratt M. (1998). Environmental and policy interventions to promote physical activity. *American Journal of Preventive Medicine*, 15: 379–397.
- 34) Sutton, E. p., Kem. (2002). *Children As Partners In Neighborhood Place making: Lessons From Intergenerational Design charrettes*, *Environmental psychology* ,Vol 22,171-189.
- 35) Syme S.L, Berkman L. (1976). Social class, susceptibility, and sickness. *American Journal of Epicjemjoogylo*, 4(1):1-8.